

## یادداشت درباره جهت‌مندی هر ایده اجتماعی یا فلسفی

هر ایده یعنی نظریه (یعنی نظریه مجرد و عام) یا نظر (یعنی نظر مشخص) معین در زمینه‌های مختلف اجتماعی و فلسفی (بمفهوم وسیع این کلمات) هر چه که باشد بلحاظ انسانی و اجتماعی جانبدارانه بوده یا بعبارت دیگر دارای یک جهت‌گیری یا جهت‌مندی انسانی و اجتماعی معین یعنی یک جهت‌گیری ایدئولوژیک معین است. مثلاً در جامعه طبقاتی سرمایه داری هر چنین ایده‌ای بدرجات معینی منافع و آرمان طبقه اجتماعی معین یا قشر یا گروه خاصی از این طبقه را در زمینه‌های اجتماعی و فردی معینی بازتاب و بیان مینماید یا از چنین منافع و آرمان و آرزو طرفداری میکند یا نسبت به امر حمایت از حیوانات یا حفاظت از محیط زیست فلان گرایش معینی را دارد. پس مسئله در وهله نخست بطور اختصار عبارتست از بررسی و تعیین چگونگی یا کم و کیف این جهت‌مندی ایدئولوژیک هر چنین ایده و موضع‌گیری در قبال آن میباشد مثلاً بنظر من باید دید که از دیدگاه کمونیستی بمعنای راستین بقدر کافی تکامل یافته ایده مورد نظر معین چگونه است و از این دیدگاه در قبال آن برخورد و موضع‌گیری نمود. (در مورد مفهوم بنظر من صحیح "ایدئولوژی"، تعریف صحیح این مقوله رجوع شود به کتاب نوشته من تحت عنوان "درباره چند مسئله تئوریک"، ویراست دوم، مبحث: درباره مفهوم ایدئولوژی).

پس علمی بودن ایده، نظریه یا نظر در زمینه‌های اجتماعی و فلسفی واضح است که جهت‌مندی ایدئولوژیک آن را نفی نمیکند. فی المثل هر ایده - نسبت به سطح تکامل معین تاریخی بلحاظ اجتماعی و علمی - حقیقتاً و تماماً کمونیستی که ایده‌ای کاملاً علمی هست در عین حال دارای جهت‌گیری ایدئولوژیک کاملاً کمونیستی بمعنای حقیقتاً و کاملاً طبقاتی کارگری میباشد. بنابراین در زمینه‌های اجتماعی و فلسفی:

- اینکه گفته میشود هسته صحیح یا انقلابی یا چونان فلان ایده را از پوسته چنین اش جدا ساخته و آن را در تدوین ایده امان مورد استفاده قرار دادیم بلحاظ شکل بیان نادرست و از لحاظ خصلت یا محتوای این کار امکاناً حاکی از سرقت ادبی میباشد. بجای آن باید آنگونه برخورد و بیان نمود که بطور روشن و بدون واقعاً تخطئه و تحقیر چگونگی نقش و میزان سهم آن فلان ایده در تدوین این ایده مورد نظر بازگو و مشخص گردد.

- یا اینکه به درجه‌ای به شکلی صریح یا پوشیده گفته شود فلان کس با "توانایی ذهنی" دریافت یا ابداع بسیار زیاد خود فلان ایده را کشف یا ابداع نمود و ما به آن ایده سمت و سوی اجتماعی و انسانی یعنی جهت ایدئولوژیک دادیم یا میدهیم به همان درجه گفته و نظری غیرواقعی و پوچ و بی اساس و لذا نادرست و امکاناً حاکی از دغلكاری است. پس در این رابطه بایستی طوری برخورد و بیان و بازگو نمود که برخورد و بیانی بطور روشن واقعی و صحیح علمی و درستکارانه باشد. توانایی ذهنی دریافت و ابداع بالا در اشخاص دارای جهت‌مندی ایدئولوژیک معین مورد نظر تحت شرایطی که بکار بیفتند طبعاً بسهم خود موجب تدوین و ارائه ایده‌های در همان جهت‌مندی صحیح تر و غنی تر و رشد یافته تر و تکامل یافته تر و نظائر اینها میشود.

- یا اینکه . . . . .

تغییر جهت ایدئولوژیک یک ایده در جهت ایدئولوژیک معین موردنظر نیز امکان ناپذیر و لذا غیرواقعی میباشد و تنها حاکی از درجه معینی از قلب یا دستکاری یا باصطلاح تحریف در ماهیت و محتوای آن ایده در آن جهت ایدئولوژیک میباشد اما باصطلاح نفوذ در و تأثیرگذاری یک ایده بر خط مشی سیاسی یا فرهنگ معنوی و یا ایده هایی با محتوایی اساساً دیگر تا حدود معینی بیشتر یا کمتر امکان پذیر و واقعی است و در این زمینه با کمی توجه میتوان مثالها و نمونه های مختلفی ارائه داد. تکامل بخشیدن به یک ایده در همان راستای ایدئولوژیک خودش نیز طبعاً بنحو معینی امکان پذیر و امری واقعی میباشد مانند تکامل تاریخی راستین ایده های کمونیستی و کمونیسم بمفهوم تئوری و جهان بینی و غیره و غیره.

حمید پویا

۱۸ آوریل ۲۰۲۱